دکتر فهیمه فرهمندپور،
رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زن و خانواده
شورای عالی انقلاب فرهنگی

الگوی سوم زن مسلمان جایگاهی راهبردی دارد

در مواجهه تمدنی امروز، الگوی سوم زن مسلمان جایگاهی راهبردی دارد و به همین دلیل زن مسلمان در خط مقدم جنگ فرهنگی و هدف پیکان دشمن قرار گرفته است. پرسش از تناسب نقش‌ها نباید ما را از حقیقت انسان مسئول و کنشگر غافل کند؛ حقیقتی که بنیان تحقق الگوی سوم و آینده تمدنی جامعه است.

الگوی سوم پیش از آنکه مسئله «زن» باشد، مسئله «انسان مسئول» است؛ انسانی که نسبت خود را با خدا، خانواده و جامعه آگاهانه انتخاب می‌کند.

تمدن، محصول تلاش تدریجی، جمعی و پیوسته انسان‌ها بر محور ارزش‌های مشترک است و بدون به کارگیری همه ظرفیت‌های انسانی، امکان شکوفایی تمدنی وجود ندارد. تضعیف یا نادیده گرفتن ظرفیت‌های انسانی، چه در زنان و چه در مردان، جامعه را به بن‌بست تاریخی و فرهنگی می‌رساند و سرمایه انسانی را فرسوده می‌کند.

خانه‌نشین کردن زنان یا تقلیل آنان به ابزار مصرف، سرگرمی یا لذت، همان قدر مخرب است که حذف مردان از نقش‌های اجتماعی و تمدن‌ساز. خانواده نه مانع کنشگری اجتماعی، بلکه بستر عمق بخشی، امتداد و ماندگاری اثرگذاری اجتماعی است و نقش آن اساسا بلندمدت و تمدن‌ساز است. زنان باید هم به‌عنوان سرمایه انسانی جامعه و هم به‌عنوان عامل انسجام اجتماعی، انتقال ارزش‌ها و پیوستگی تمدنی دیده شوند. الگوی سوم زن مسلمان نه با زن صرفا شاغل تعریف می‌شود و نه با زن منزوی در خانه؛ بلکه با انسان مسئول، آگاه و صاحب اراده معنا پیدا می‌کند.

کنشگری اجتماعی فقط به اثرگذاری‌های فوری و قابل سنجش محدود نمی‌شود؛ برخی از عمیق‌ترین اثرگذاری‌ها، به‌ویژه در خانواده، بلندمدت و تمدن‌سازند. تمرکز افراطی بر کنش‌های کوتاه‌مدت، نقش خانواده را کم‌رنگ و آن را از جایگاه تمدن‌ساز خود خارج کرده است.

زن مسلمان در الگوی سوم نه حاشیه‌نشین است و نه ابزار؛ او دارای عاملیت، مسئله‌شناسی و قدرت تصمیم‌گیری است، حتی اگر نقش اصلی‌اش در خانواده تعریف شود. حذف زنان از میدان نقش‌آفرینی تمدنی، یا سوق دادن آنان به فردیت منفعل، تکرار خطاهای تاریخی جوامع در مسیر افول است.

خانواده عامل انسجام، انتقال ارزش‌ها و پیوست اجتماعی است و زنان ستون اصلی این کارکرد تمدنی‌اند. مواجهه تمدنی امروز، زن مسلمان را به هدف مستقیم جنگ فرهنگی تبدیل کرده است، زیرا الگوی سوم، نظم مسلط را به چالش می‌کشد. بازتعریف الگوی زن مسلمان، بدون نگاه تمدنی و مسئولیت‌محور، ممکن نیست.

این روزهای اخیر دوباره بر ایمان شکل جدیدی از جنگ ساخته‌اند، شکل جدیدی از الزام به رویارویی. تلاش برای (به قول رهبر شهید در فرمایش روز ۱۳ رجب) جنگی نرم برای قرار دادن مردم در مقابل امامشان.

زنان ایرانی همواره در زمان جنگ یا صلح، در میدان مسئولیت‌پذیری رسمی در همه اجزای نظام آموزشی، اداری، خدماتی و... پا به پای مردان و به‌عنوان نیمی از ظرفیت منابع انسانی کشور، به خوبی ادای تکلیف و انجام وظیفه نموده و هرگز شانه از بار هیچ مأموریتی خالی نساخته‌اند. هم‌زمان و حتی در تلخ‌ترین لحظات ذائقه جمعی این سرزمین، این زنان بوده‌اند که به خانه، معنا و به زندگی، جهت و به خانواده، هویت بخشیده و اجازه نداده‌اند گرد افسردگی و غبار ناامیدی بر ساحت خانه و دامن خانواده بنشیند، حتی اگر طوفان حوادث، عزم تهدید عشق و آرامش موطن و مأمن آنان را داشته باشد. او می‌داند که چگونه نوروز را با اقتضائات روز به هم بیامیزد و از دل آن یک بسته تربیتی بدیع برای خانواده خویش بیافریند.

در این ایام، هر کوچه و خیابان و محله این سرزمین، شاهد حضور متفاوت دیگری از زنان انقلابی ایران نیز هست. بانویی که دریک‌دست، انگشتان فرزند را به گرمی می‌فشارد و در دست دیگر پرچم مقدس این حرم را به اهتزاز در می‌آورد و خود به تنهایی فرمانده و جلودار و تدارکاتچی و هماهنگ‌ساز و... سپاه کوچک عاشقی است که همه داشته‌هایش را در طبق اخلاص نهاده، به میدان مجاهدتی تاریخی آمده است.

از غروب تا نیمه شب در محله، فردا در مراسم تشییع شهیدان، ساعتی بعد در گلزار شهدا و...

در صحنه‌ای دیگر از این تصویر بی‌نظیر عشق و تکلیف و زندگی، از یک سو، زنی بی‌قرار اما شکیبا و نستوه، رزم جامه همسر و فرزند و برادر خود را مهیا می‌کند و دل از بند عشق او می‌رهاند و در سویی دیگر، بانویی مقاوم و قهرمان بر ویرانه‌های خانه‌ای که بهای ایستادگی او در طرف درست تاریخ است، نماز شکر می‌خواند.

همین زنان غیرتمند در سوی دیگر، با تلاشی مثال‌زدنی نه تنها همه داشته‌های مادی خود را نثار می‌کنند که دستان هنرمند، ذهن خلاق و البته جسم خسته خود را وقف تأمین و تدارک پشت جبهه‌ای کرده‌اند که قرار است در مقابل همه کفر قد علم کند. پیام تبیینی، تصویری اثربخش در فضایی حقیقی و مجازی یا ظرفی غذا و لقمه‌ای نان و سبزی یا جرعه‌ای چای...

اینک اما در جدیدترین پرده از این نمایش ماندگار و در هنگامه جنگی که به ساحت زیرساخت‌های نفت و گاز و انرژی کشیده شده، این زن بصیر ایرانی است که جلوه‌ای جدید از تطبیق خود و سبک زندگی و الگوی مصرف خود با وضعیت آرایش میدان نبرد را به نمایش می‌گذارد و در سایه فهم عمیق از میدان، تکلیف دیگری برای توسعه تاب‌آوری ملی در این برهه خاص تاریخی به انجام می‌رساند.